

حضرت ابن ابهر علیه بهاء الله الأنور و علیه بهاء الله الأبهي ملاحظه نمایند

هو الأبهي

ای اسیر سلاسل و زنجیر قره کهر بی پیر ای پروردگار آموزگار این چه طوق زرین است که زیور گردن بندگان دیرینست و این چه حمائل گهراگین است که غبطه عقد در ثمین است و زینت هیاکل طاوس علیین قسم بجمال قدم روحی لأسراء حبه الفداء که آن ایوان بود نه زندان آزادی بود نه بند گران اوج ماه بود نه قعر چاه زنجیر سجن یوسفی بود نه سلسله حبس پراسفی خوشا بحال تو که باین موهبت فائز گشتی و باین عنایت منحصص شدی ای فرخ رخی که در زندان در سبیل جانان چون شمع برافروخت و ای مبارک گردنی که در بند و کمند درآمد باری این جام پرعطا نوشیدی و این خلعت گرانبها پوشیدی و این زهر را چون شهد چشیدی پس بشکرانه این الطاف دستی بگشا و قوت بازویی بنما قلوب را بر پیمان و ایمان الهی ثابت و استوار کن و صدور را بنفحات قدس عهد و میثاق رحمانی منشرح و پرمسار نما این عهد در ظلّ شجره انیسا گرفته شده است و این پیمان در یوم الست تأسیس گشته است باری عدالت و مروّتی که از مرکز سلطنت و ملازمان دربار ملوکانی در حقّ شما شده است فراموش نفرمائید همیشه دعای خیر کنید و از درگاه احدیت طلب ظفر و نصرت بجهت اعلیحضرت شهریار فرمائید فی الحقیقه در این سنین اخیره نهایت عدالت بلکه عنایت را مجرا فرمودند دعا کنید و بدرگاه خدا نماز و نیاز آرید که روز بروز معدلت شهریاری و شوکت جهانبانی مزداد گردد قسم باسم اعظم که تأییدات ملکوت رسد و عون و عنایت سلطان جبروت پیاپی حاصل گردد و البهَاء علیک و علی کلّ عبد اطاع مولا ع ع